

## اشتغال زن و بازنمایی آن در سینمای پس از انقلاب؛ بررسی موردی فیلم همسر

سیدحسین شرف‌الدین / دانشیار گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✉ sharaf@qabas.net

حکیمه مهدیان / کارشناسی ارشد فرهنگ و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم ✉ hakimemahdian@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۸ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۰۵

### چکیده

اشتغال بیرونی زن، یکی از موضوعات چالشی حوزه مطالعات زنان است. موافقان و مخالفان هر یک با ارجاع به مبانی و پیش فرض‌های خود، جهت اثبات مدعا به دلایلی تمسک جسته‌اند. این موضوع همچون سایر موضوعات فرهنگی اجتماعی مورد التفات عموم، در رسانه‌های جمعی از جمله محصولات سینمایی انعکاس یافته است. سینما، علاوه بر انعکاس نمادین الگوها و رسوم جاری در متن اجتماع، خود نیز در مقام داور و فضاسازی تأییدی یا انتقادی نسبت به سوژه‌های طرح شده، کاملاً سوگیرانه عمل می‌کند. ورود نظریه‌های فمینیستی به محافل علمی و فضای فرهنگی کشور، و طرح خوانش‌های غیرمتعارف و حساسیت‌برانگیز، از موضوعات اجتماعی زنان از جمله اشتغال، علاقمندی ارباب سینما به طرح این سنخ مباحث را فزونی بخشید. سؤال تلویحی نوشتار این است که بازنمایی اشتغال زن در فیلم همسر، به چه میزان با معیارهای الزامی و ترجیحی اسلام در این خصوص هم‌نوایی دارد. ادعای نوشتار با عطف توجه به رمزگان اجتماعی، فنی و ایدئولوژیک مندرج در فیلم این است که بازنمایی اشتغال در این محصول سینمایی، آگاهانه یا ناآگاهانه با دواعی فمینیسم رادیکال همسویی زیادی دارد.

**کلیدواژه‌ها:** اشتغال زن، فمینیسم، سینما، فیلم سینمایی همسر، نشانه‌شناسی.

سینما به همان اندازه که هنر است، رسانه هم هست و رسانه بودن آن به اندازه هنر بودن یا حتی بیشتر مهم و درخور توجه است (راوودراد، ۱۳۸۲، ص ۳۴). سینما، همچون سایر رسانه‌های تصویری در فرایند جامعه‌پذیری افراد و انتقال میان نسلی فرهنگ، به‌عنوان بخشی از کارکردهای متعدد خود نقش محوری دارند. روشن است که رسانه‌های جمعی در فرایند برنامه‌سازی و تولید محتوا، عمدتاً از فرهنگ جامعه محل فعالیت خود و نیز فرهنگ غالب و مورد اعتنای اکثریت مخاطبان بالفعل خود تأثیر می‌پذیرند، اگر چه در روند بازتولید فرهنگی، از ابتکار عمل در مقام گزینش عناصر خاص و چگونگی انتقال آنها به مخاطبان نیز برخوردارند (فسایی‌صادقی و کریمی، ۱۳۸۴، ص ۶۰). غالب فیلم‌های سینمایی به صورت آشکار و پنهان متضمن ایده‌ها، اشارات و القائات جنسیتی است. اینکه ما به‌عنوان زن یا مرد کیستیم و چگونه باید در فضاها و موقعیت‌های مختلف رفتار کنیم، بخشی از فرهنگ جنسیتی است که به وسیله رسانه‌های مختلف همچون سینما بازتولید می‌شود (سلطانی، ۱۳۸۵، ص ۶۱). یکی از مسائلی که سینمای ایران در چند دهه اخیر عمدتاً تحت تأثیر دیدگاه‌های فمینیستی بدان ورود کرده، مسئله حضور اجتماعی زنان و موضوع «اشتغال» است. بی‌تردید زنان در کسوت مادری، یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های فرایند هویت‌یابی و جامعه‌پذیری فرزندان و نسل آینده‌اند و بر ساخت شخصیت، هویت فردی، سبک زندگی و نظام ارزشی نسل‌های متمادی جامعه تأثیر می‌گذارند. «زن» از این منظر، عنصری فرهنگساز و جامعه‌ساز است. اشتغال زن در عرصه‌های مختلف برون‌خانگی، از جمله زمینه‌های مهم حضور اجتماعی است که به وی امکان می‌دهد تا فراتر از شأن مادری در درون خانواده به ایفای این سنخ نقش‌ها توفیق یابد و اهمیت و کارایی خود را به صورتی گویاتر به جامعه تفهیم کند. اشتغال، به دلیل برخورداری از ابعاد گوناگون فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی، اخلاقی، ارتباطاتی، جمعیتی و...، از اهمیت درخور توجهی برخوردار است. اشتغال زنان، همچون بیشتر موضوعات مربوط در رسانه‌ها، از جمله سینما نیز بازتاب داشته و برخی فیلم‌ها به بازنمایی آن همت گمارده‌اند. سؤال این بخش از منظر توصیفی این است که با توجه به گستره حضور اجتماعی زنان در میدان‌های شغلی مختلف و آثار و نتایج متنوع آن، بازنمایی این موقعیت‌ها در فیلم‌های سینمایی به چه میزان با واقعیت عینی آن سازگاری داشته و آن را نمایندگی می‌کند؟ و از منظر توصیه‌ای، می‌توان پرسید که رهنمودهای تجویزی و ترغیبی این نوع فیلم‌ها، به چه میزان با ملاک‌های ترجیحی اشتغال زن از دیدگاه اسلام و فرهنگ متشرعان به‌عنوان فرهنگ غالب جامعه تناسب دارد؟ ادعای نویسندگان این است که غالب این آثار، خواسته یا ناخواسته در راستای ایده تشابه‌انگاری و برابری‌طلبی به‌عنوان یکی از ایده‌های برجسته فمینیستی مشی کرده و از عواقب و پیامدهای قهری آن به‌ویژه برای نهاد خانواده غفلت ورزیده‌اند. در ادامه این بخش برای اثبات مدعای خود به نحوه بازنمایی اشتغال زنان در سینمای پس از انقلاب، با تمرکز بر یکی از آثار منتخب، به بررسی میزان همسویی آن با الگوی مرجح و مؤید اسلامی پرداخته خواهد شد.

## پیشینه پژوهش

در موضوع اشتغال زنان در جامعه ایران و چگونگی بازنمایی آن در سینما، تاکنون آثاری تدوین یافته که به مواردی از آن متناسب با موضوع اشاره می‌شود:

همتی (۱۳۸۰)، در مقاله «نگاهی به بازنمایی مشاغل زنان در سینمای ایران»، ضمن اشاره به دوره‌های مختلف فیلم‌سازی در ایران پیش از انقلاب، چگونگی انعکاس شغل بانوان در آثار سینمایی هر دوره را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. مقاله مذکور عمدتاً توصیفی و فاقد نگاه انتقادی است.

مقاله «بازنمایی اشتغال زنان و نقش آن در ساختار خانواده (با مطالعه موردی سریال‌های دنوازان و همسایه‌ها)» تألیف حبیب‌پور گنابی (۱۳۹۲)، چگونگی بازنمایی زنان شاغل و تأثیر اشتغال آنها در ساختار خانواده را در دو سریال تلویزیونی فوق مورد بررسی قرار داده و به چالش‌های زنان در ایجاد هماهنگی بین کار خانه و کار بیرون اشاره کرده است. از دید نویسنده، اشتغال برای زنان، آنگونه که در سریال‌های مذکور انعکاس یافته، جنبه فرعی داشته و صرفاً با هدف تأمین رضایت خانواده مورد توجه قرار گرفته‌اند. روشن است که آنها به‌واسطه جمع بین کار بیرون و کار خانه، به نوعی انباشت شغلی و فشار ناشی از آن دچار شدند.

مقاله «پروبلماتیک زن بودگی؛ نمایش جنسیت و برساخت کلیشه‌های اخلاقی زنانه در سینمای ایران»، کار مشترک حسن‌پور و یزدخواستی (۱۳۹۴) نیز به بررسی موقعیت فرودستی زنان در سینما پرداخته و نتیجه می‌گیرد که زنان، به‌رغم اشتغال در عرصه‌های مختلف، استقلال مالی، جایگاه تحصیلی و اجتماعی مناسب، همچنان در موقعیت فرودست بازنمایی می‌شوند و غالباً با انگ‌های غیراخلاقی مثل خیانت، خودخواهی و میل به نمایش، شخصیت‌پردازی می‌شوند.

این نوشتار، با عطف توجه به آثار پیشین سعی دارد بدون سوگیری ابتدا به طرح دیدگاه‌های مختلف، از جمله دیدگاه مرجع اسلام در حوزه اشتغال زن پرداخته و سپس با ارجاع به یافته‌ها و دیدگاه مختار به بررسی انتقادی فیلم منتخب و نحوه بازنمایی اشتغال زن در آن بپردازد. بی‌تردید آثار سینمایی نیز همچون همه متون فرهنگی در لایه‌های معنایی متراکم و چند لایه خودآگاهانه یا ناآگاهانه از مبانی نظری و بنیادهای فکری خاصی برگرفته از گفتمان فرهنگی غالب یا انگاره‌ها و اندیشه‌های وارداتی متأثرند. شناخت این مبانی، برای فهم و تحلیل لایه‌های مختلف فیلم به‌ویژه دلالت‌های ضمنی آن و نیز میزان قرابت و تباعد آن با اندیشه اسلامی در این موضوع ضرورت اجتناب‌ناپذیر دارد. از این‌رو، سؤال اصلی نوشتار این است که اشتغال زن آن‌گونه که در فیلم سینمایی همسر بازنمایی شده به چه میزان با معیارهای ترجیحی فقه اسلامی در خصوص اشتغال زنان قرابت و هم‌نوایی دارد؟

## نظریه‌های اشتغال زن

در باب اشتغال زن، دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلفی وجود دارد که تحت سه عنوان موافقت مطلق، مخالفت مطلق (ممنوعیت) و موافقت مشروط به شرح ذیل دسته‌بندی می‌شوند:

## ۱. موافقت مطلق

دیدگاه‌های فمینیستی یا دیدگاه‌های متأثر از آن، در این دسته جای می‌گیرند. از دید ایشان، زنان در طول تاریخ صرفاً به دلیل جنسیت زنانه، همواره مورد ستم بوده و در اشتغال نیز عمدتاً به فعالیت‌های خانگی یا فعالیت‌های فرعی جانبی در موقعیتی کاملاً نابرابر با مردان، فعالیت داشته‌اند. بحث جامع در معرفی جنبش فمینیسم، موج‌های متعدد، گرایش‌های غالب، دعاوی مختلف و دلایل آن و میزان نفوذ این اندیشه‌ها در جامعه ما و نهادهای تصمیم‌ساز مجالی واسع می‌طلبد. علاقمندان می‌توانند به منابع مربوط مراجعه کنند (ر.ک: علاسوند، ۱۳۹۲). در این بخش، به اختصار به طرح چهار نظریه فمینیستی، مربوط به اردوگاه‌های فکری مختلف و رویکرد آنها به موضوع اشتغال زن تحت عنوان لیبرال، رادیکال، مارکسیستی و سوسیالیستی بسنده می‌شود.

## الف. فمینیسم لیبرال و اشتغال زن

اندیشه فلسفی فمینیسم لیبرال، بر این عقیده مبتنی است که همه افراد بشر فارغ از رنگ، نژاد، جنس و... از حقوق برابر برخوردارند. از این رو، حق دارند به روش‌های مختلف در حیات اجتماعی و سیاسی جامعه مشارکت جستند و ایفای نقش کنند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۴۶). از دید ایشان، نهادینه شدن تسلط مردان بر زنان در قوانین و سنت‌های رایج، همواره موجب اخراج زنان از حوزه‌های مهم حیات اجتماعی شده است. جنبش لیبرال، همه توان خود را در جهت ایجاد فرصت‌های برابر برای زنان از طریق قانون‌گذاری و سایر روش‌ها و ابزارهای دموکراتیک و حمایت از آن مصروف داشته است (گیدنز، ۱۳۸۶، ص ۱۶۷). این دسته از فمینیست‌ها، معتقدند که در جامعه مردمحور، معمولاً مشاغل برای زنان مناسب تشخیص داده می‌شود که با خصلت‌های مرتبط با شخصیت زنانه نظیر از خودگذشتگی و خدمات‌رسانی به دیگران تناسب داشته باشند و بر این باورند که این نوع تقسیم کار و کلیشه‌بندی جنسیتی، به شدت نابرابر و توجیه‌ناپذیر است (تانگ، ۱۳۸۷، ص ۵۴).

## ب. فمینیسم رادیکال و اشتغال زن

فمینیسم رادیکال، بیش از آنکه به صراحت در خصوص اشتغال زن موضعی مطرح کند، معتقد است: اشتغال سنتی غالب زنان در فعالیت‌های خانگی و محرومیت نسبی آنها از اشتغال در عرصه‌های مختلف اجتماعی عمدتاً ریشه در غلبه انگاره‌هایی دارد که در طول تاریخ توسط مردان طراحی و به ایشان القا شده است. غلبه این انگاره بر ذهنیت زنان، ایشان را رضامندانه به اشتغالات خانگی مشغول داشته و از تلاش برای احراز موقعیت در سایر عرصه‌ها بازداشته است. از دید این دسته از فمینیست‌ها، هر مرد، دست‌کم بر یک زن (در محیط خانواده) اعمال قدرت می‌کند و همه مردان بدون استثنا در برخورداری از مزایای نظام اجتماعی مبتنی بر چیرگی مردانه، سهیم‌اند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۴۷). از دید ایشان، فرهنگ، دانش و درک ذهنی زنان، تماماً از سوی مردان مورد تردید قرار گرفته و علم، خرد و تجربه مردان، همواره برای مشروعیت بخشیدن به ایدئولوژی‌هایی مصروف شده است که زن را تحقیر و ملزم و موظف به کارهای

خانگی کرده است (آبوت و والاس، ۱۳۸۰، ص ۲۹۶). هدف اصلی فمینیست رادیکال، شکست و بی‌اعتبارسازی نظام مردسالار است. در این مبارزه، ابتدا باید ذهن و ادراک زنان را بازسازی کرد، تا هر زن به توانایی‌های فکری و ذهنی خود وقوف یابد. ثانیاً، القائات مردسالارانه و پدرسالارانه را از ذهن خود دور سازد و دیگر خود را موجودی ضعیف، وابسته و دست‌دوم نپندارد. ثالثاً، در اتحاد با زنان دیگر و بدون توجه به تفاوت‌های آنها عمل کند، تا از این طریق رابطه‌ی خواهرانه گسترده‌ای سرشار از اعتماد، حمایت، تفاهم و دفاع متقابل میان آنها برقرار شود. رابعاً، پس از برقراری چنین رابطه‌ی خواهرانه‌ای، دو استراتژی را باید به کار بست: ۱. رویارویی شدید با همه مظاهر و جلوه‌های تسلط مردسالارانه و پدرسالارانه در هر جای ممکن؛ ۲. اهمیت دادن و ارزش قائل شدن برای زنان به صورتی مستقل از مردان، از طریق روی آوردن آنها به فعالیت‌های اقتصادی تحت مدیریت زنان (ریترز، ۱۳۸۷، ص ۴۹۰).

### ج. فمینیسم مارکسیستی و اشتغال زن

این نظریه برخلاف نظریه‌ی لیبرالی که هم‌زمان با رشد سرمایه‌گذاری شکل گرفت و در پی ریزی بنیادهای آن سهمیم بود، انتقادات قاطع و ویرانگری را به نظام سرمایه‌داری وارد ساخت (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۹، ص ۵۰). این نظریه با استناد به نقش و اهمیت «کار» در دیدگاه مارکسیستی، بر این باور است که تقسیم عرصه‌های زندگی به خصوصی و عمومی و تشویق زنان به ایفای نقش در عرصه‌ی خصوصی (خانواده) و تقسیم کار به تولیدی و غیرتولیدی و بی‌ارزش تلقی کردن کار خانگی زنان به‌عنوان فعالیت غیرتولیدی و غیرموثر، از القائات نظام سرمایه‌داری است. از این‌رو، آنچه موجبات فرودستی زنان در جامعه را فراهم ساخته و ظلم و تبعیض غیرقابل توجهی را بر ایشان روا داشته است، نه اختلاف منافع و تعارض دو جنس که نظام سرمایه‌داری است (رودگر، ۱۳۸۸، ص ۷۷-۷۸). از دید این گروه، برای رهایی زن از این اسارت تاریخی، چاره‌ای جز تغییر مناسبات و روابط نظام اقتصادی وجود ندارد. زنان در کنار مردان باید برای ایجاد چنین تغییری بکوشند و مسائل جنسیتی را تا سرنگونی نظام سرمایه‌داری به فراموشی بسپارند (بیات، ۱۳۸۱، ص ۴۳۰).

### د. فمینیسم سوسیال و اشتغال زن

فمینیسم سوسیال یا سوسیال فمینیسم، از تلفیق دو رویکرد نظری مارکسیسم فمینیسم و رادیکال فمینیسم پدید آمده است. این دیدگاه، مردسالاری را نظامی فراتاریخی می‌انگارد که در همه‌ی جوامع وجود دارد و به استناد آن، مردان بر زنان اعمال قدرت و سلطه می‌کنند (بیات، ۱۳۸۱، ص ۴۳۱). از این‌رو، نظام دوگانه متشکل از عنصر اقتصادی و عنصر جنسیتی (پدرسالاری)، موسوم به سرمایه‌داری پدرسالار، عامل اصلی سرکوب زنان و محرومیت آنها تلقی می‌شود (رودگر، ۱۳۸۸، ص ۹۵). از این منظر، اشکال مختلف فرودستی زنان در جامعه سرمایه‌داری، ریشه در این نظام اقتصادی - اجتماعی دارد. محرومیت زنان از آزادی، محصول کنترلی است که در قلمروهای عمومی و خصوصی بر آنان اعمال می‌شود، و رهایی زنان، تنها در صورتی امکان‌پذیر است که تقسیم کار جنسی در همه‌ی قلمروها از میان برود. به عبارت دیگر، پایان دادن به شکلی از روابط اجتماعی که در آن مردم به کارگر و سرمایه‌دار

و زن و مرد تقسیم شوند، تنها راه رهایی است (آبوت و والاس، ۱۳۸۰، ص ۲۹۷). این گروه، برخلاف تلقی مارکسیستی معتقد است: ستم مردان بر زنان، نه فقط در نظام سرمایه‌داری، بلکه در حیطة خصوصی و ساختار حاکم بر نظام خانواده نیز عمیقاً جریان دارد. مردسالاری و پدرسالاری، آن‌چنان در این نهاد مستحکم و ریشه‌دار است که تنها با نابودی سرمایه‌داری از بین نمی‌رود. از این‌رو، رهایی کامل زنان از این سلطه به نابودی توأمان هر دو نظام مردسالاری و سرمایه‌داری منوط خواهد بود (رودگر، ۱۳۸۸، ص ۹۵).

## ۲. نظریه ممنوعیت مطلق

در بخش ممنوعیت اشتغال برون‌خانگی زن، به دلیل رعایت اختصار، صرفاً به ذکر ادله‌ای که برخی از اندیشمندان اسلامی به استناد آن اشتغال زن را به صورت مطلق منع کرده یا دست‌کم در مقایسه با وظایف همسری و مادری او، آن را مرجوح شمرده‌اند، بسنده می‌شود. دلایل مخالفت آنها عبارتند از:

### الف. تعارض اشتغال با نقش‌های خانوادگی زن

قائلان به ممنوعیت اشتغال زن، رسالت و مأموریت اصلی و وظایف ذاتی زن را به تولید و تربیت صحیح فرزندان، همسراری، خانه‌داری و اموری که به اقتضای این وظایف بدان الزام یافته‌اند، محدود می‌سازند. از این‌رو، هرگونه مشارکت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و احراز موقعیت‌ها و مناصبها برون‌خانگی عملاً منتفی است (ر.ک: ناجی‌راد، ۱۳۸۲، ص ۱۶۶-۱۶۷). عمده‌ترین دلیل این دیدگاه، وجود تعارض میان اشتغال زن با ایفای نقش همسری (به‌طور عام) است. به عبارت دیگر، زن به اقتضای قرارداد زناشویی، خود را متعلق حق شوهر قرار داده و قاعدتاً باید تمام اوقات در اختیار وی باشد. از این‌رو، هرگونه فعالیتی که بخشی از اوقات شبانه‌روز او را اشغال کند، نوعی تجاوز به حقوق شوهر شمرده می‌شود (طاهری‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۲۸۱).

از دید برخی، اشتغال زن، زمینه استقلال مالی او را فراهم ساخته و این در نهایت، نظام ارتباطی زوجین و استحکام خانواده را در معرض تزلزل قرار خواهد داد. از دید ایشان، وابستگی مالی زن به شوهر، نقش مهمی در مهار اختلافات و در نهایت، تحکیم خانواده دارد. در مقابل، استقلال مالی به تعارض و نابسامانی در محیط خانواده می‌انجامد (منصورنژاد، ۱۳۸۱، ص ۱۴۲). از دید برخی پژوهشگران، در بررسی اشتغال روزافزون زنان توجه ما معمولاً به زیان‌هایی جلب می‌گردد که دامن‌گیر کودکان می‌شود، ولی به پیامدهای ناگوار این وضعیت بر روحیه مردان توجه نمی‌کنیم. اگر زن متأهل، نقش نان‌آوری را بر عهده گیرد، خطر رقابت با شوهر به میان می‌آید و این برای وحدت و یکپارچگی خانواده زیان‌آور است (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸، ص ۵۹).

برخی نیز اشتغال بیرونی را اساساً ناسازگار با فطرت و سرشت زن ارزیابی کرده‌اند. ابوالاعلی مودودی، اندیشمند مسلمان شبه‌قاره می‌نویسد:

سیاست، اداره حکومت، خدمات نظامی و [امور] عالی مانند آنها تنها به مردان اختصاص دارد... اگر اسلام زنان را موظف به کمک به مجروحان در زمان جنگ کرده، معنایش آن نیست که مسلمانان،

آنها را در حالت صلح نیز به کتابخانه‌ها [یا مدارس]، کارگاه‌ها، انجمن‌ها و مجالس نمایندگی بکشاند...؛ زیرا خداوند آنان را برای انجام این امور نیافریده است... و زن در عرصه‌ای که فطرتاً برای آن آفریده نشده، دچار شکست می‌گردد (مهریزی، ۱۳۸۱، ص ۶۹).

### ب. تعارض اشتغال با عفاف زن

قائلین به این نظریه، حرمت خروج زن از خانه برای انجام فعالیت‌های بیرونی در اجتماع که عموماً و عادتاً مستلزم اختلاط و حشرونشر با نامحرمان می‌گردد و این قهراً آسیب‌هایی را متوجه خانواده و اجتماع می‌سازد، را نتیجه گرفته‌اند. تأکید برخی آیات بر خانه‌نشینی و دوری‌جستن از آرایش‌ها و تزیین‌هایی که نوعاً حضور در اجتماع آنها را موجب می‌شود، دلیل گویایی بر ممنوعیت اشتغال آنها در محیط‌های بیرونی است. قرآن کریم در آیه ۳۳ سوره احزاب می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ ... وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَلُوهُنَّ مِمَّنْ وَرَاءَ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» (بطحایی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۷). از این رو، اگر در مواردی بنا به ملاحظاتی، حضور اجتماعی زنان برای ایفای نقش‌ها و وظایف خاص (همچون خدمات‌رسانی پشت جبهه) تجویز شده باشد، از باب (اذن به شی، اذن به لوازم آن نیز هست) قاعدتاً لوازم و پیامدهای قهری آن نیز پذیرفته شده است؛ اما در سایر موقعیت‌ها، اصل ممنوعیت حضور زن حاکم خواهد بود. بنابراین، از آنجاکه احراز مشاغل همچون ریاست جمهوری، وزارت، مدیریت عالی و امثال آن مستلزم رفت‌وآمد مکرر زنان و حشر و نشر و گفت‌وگوی بسیار آنها با مردان همکار است، چنین حضوری، به دلیل تبعات انفکاک‌ناپذیر آن، از دید اسلام مجاز نخواهد بود (ر.ک: بطحایی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۷؛ کریمی، ۱۳۸۳، ص ۸۹-۹۰).

### ه. ناسازگاری با روح شریعت اسلامی

طبق این دیدگاه، اگرچه نص صریحی دال بر حرمت و ممنوعیت اشتغال زن در اجتماع در منابع دینی (آیات و روایات) وارد نشده است، اما عطف توجه به مقتضیات، مقارنات و پیامدهای قهری اشتغال و درک کلی از حساسیت‌های شریعت، می‌توان ناخرسندی و مخالفت آن را نتیجه گرفت. برای مثال، آیه ۳۴ سوره نساء «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» با الزام مرد به تأمین نفقه زن و معافیت وی از این امر، عملاً زن را از اشتغال بیرونی که یکی از انگیزه‌های مهم آن تأمین معیشت است، معاف ساخته است. از این رو، اشتغال بیرونی کاری اصالتاً مردانه است و اصرار زنان بر آنچه که از آن معاف شده‌اند، نوعی نقض شریعت است (طاهری‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۲۷۷). در روایات دینی نیز شواهدی دال بر اولویت و ارجحیت انجام امور خانه و ایفای نقش‌های همسری و مادری وجود دارد که استنباط فوق را تأیید و تأکید می‌کند. همچنین، طبق برخی روایات، زنان از انجام تکالیفی که لازمه آن مشارکت عمومی و حضور در اجتماع است، همچون وجوب نماز جمعه معاف شده‌اند. از این رو، فقیه با استناد به این قبیل روایات که مبین نظر شارع است، نتیجه می‌گیرد که اساساً هر نوع فعالیت و اشتغالی که زن را در معرض دید نامحرمان قرار دهد، از عهده او برداشته شده است (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۳۳).

### ۳. نظریه موافقت مشروط

به نظر می‌رسد، نظر غالب فقهای شیعه معاصر، که دلایل و شواهد زیادی هم به نفع آن اقامه شده، نظریه موسوم به موافقت مشروط است. در توضیح این دیدگاه، ابتدا به برخی از ادله جواز اشتغال زن از منظر آموزه‌های اسلام و سپس به قیود و شرایط این جواز اشاره می‌شود. قدر متیقن این است که الگوی اشتغال زن نباید با کرامت زن، وظایف ذاتی وی به‌مثابه همسر و مادر، سبک زندگی اسلامی، معیارهای اخلاقی و حقوقی و انتظارات فرهنگی اجتماعی نهادی شده، تعارض داشته باشد.

#### ۱-۳. ادله جواز اشتغال زن

اصل جواز اشتغال زن، فارغ از کم و کیف آن را می‌توان از ادله قرآنی و روایی متعددی نتیجه گرفت. از آن جمله:

#### الف. شواهد قرآنی

– آیه ۳۲ سوره نساء «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا» به صورت تلویحی بر جواز اشتغال زن دلالت دارد. به عبارت دیگر، در آیه فوق، حلیت اکتساب یا جواز تحصیل درآمد، مفروض قرار گرفته و به مالکیت درآمد ناشی از این اشتغال توجه داده است (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۳۶۳). طبق این آیه، زن خود شخصاً مالک دسترنج ناشی از اشتغال بیرونی خویش است.

– آیه ۱۵ سوره ملک نیز می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَ كُلُوا مِن رِّزْقِهَا» خطاب آیه (لَكُمْ فَامْشُوا، كَلُوا)، به عموم انسان‌ها اعم از زن و مرد متوجه است و به بیان علامه طباطبائی، عمومیت آن انواع طلب و تصرف در زمین را شامل می‌گردد. از دید برخی قرآن‌پژوهان، اصل در خطابات قرآنی، عمومیت و شمول آن برای همه زنان و مردان است، مگر اینکه دلیلی بر خلاف آن وجود داشته باشد (طاهری‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۲۵۷-۲۵۸).

– آیه ۲۷۵ سوره بقره «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا» نیز به حلیت بیع و حرمت ربا به‌طور مطلق توجه داده است. طبق این آیه، زنان نیز می‌توانند در چرخه تعاملات اقتصادی وارد شده و با رعایت ضوابط به کار و کسب که نمونه‌ای از اشتغال بیرونی است، دست یازند. بررسی آیات و روایات و آراء فقهی نشان می‌دهد که معمولاً در این سنخ احکام، جنسیت نقش تعیین‌ای ندارد (همان، ص ۲۶۱).

#### ب. شواهد روایی

دلیل دیگر بر جواز اشتغال بیرونی زن، تقریر و تجویز فعالیت‌های اقتصادی زنان در کلام معصوم علیه السلام است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله طبق نقلی، به زنان اجازه دادند تا در روزهای عید، برای فروش اقلام خود بساط بگسترند و از این طریق کسب درآمد کنند (علاسوند، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۶۷). /م‌حسن‌نخعیه نیز طبق روایتی نقل می‌کند: «حضرت علی علیه السلام در راه مرا دیدند و فرمودند: ام‌حسن به چه کاری مشغولی؟ گفتیم: بافندگی می‌کنم. حضرت فرمود: بدان که حلال‌ترین کسب است» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۵ ص ۱۵۱). در روایت دیگر نیز آمده است: «زینب عطاره برای



فروش عطر، نزد همسران پیامبر ﷺ می آمد و حضرت در این اثنا، برخی از آداب و احکام خرید و فروش را به ایشان تعلیم می فرمودند» (همان). در منابع فقهی نیز احکام و قواعد شرعی زیادی در رابطه با مکاسب زنان می توان یافت، که خود به روشنی بر جواز این گونه مشاغل برای زنان دلالت دارد (علاسوند، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۶۷).

### ۲-۳. شروط دخیل در اشتغال زن

پس از اثبات اصل جواز اشتغال زن از دید آیات و روایات، نوبت به بررسی شروط و قیودی می رسد که نظریه مذکور، اشتغال زن را بدان منوط و مقید ساخته است. در ادامه، به پاره های از شروط مؤثر در جواز اشتغال زن اشاره می شود. بی شک، توجه به این سنخ عناصر در کشف و استنتاج الگوی مطلوب اشتغال زن از دید اسلام، نقش تعیین کننده دارد.

#### الف. عدم الزام زن به مسئولیت اقتصادی

از جمله مؤلفه های مندرج در الگوی اسلامی اشتغال زن، معافیت زن از تلاش برای کسب نفقه برای خود و دیگران است. در نظام حقوقی اسلام، شوهر به اقتضای پیمان زناشویی، ملزم و مکلف به تأمین نفقه زن متناسب با نیاز و شأن خانوادگی و اجتماعی اوست. همین الزام، خود یکی از دلایل مهم اولویت و رجحان اشتغال مردان در مقایسه با زنان در جامعه است. بی شک، ناتوانی مرد از تأمین نفقه متناسب با سطح انتظار، کیان خانواده را در معرض خطر جدی قرار می دهد، در حالی که ناتوانی زن از کسب درآمد یا عدم اقدام وی در این خصوص - جز در مواردی که زن سرپرست خانوار است - ثبات خانواده را با مخاطرات جدی مواجه نمی سازد (بستان، ۱۳۸۸، ص ۱۶۳-۱۶۴). بنابراین، جواز اشتغال زن، منوط به نیاز وی و ضرورت کسب درآمد برای تأمین حوایج معیشتی و ضروری نیست.

#### ب. توجه به تفاوت های طبیعی زن و مرد

زن و مرد به دلیل تفاوت ها و تمایزات پرشمار انکارناپذیر، به احراز وظایف و نقش های متفاوت متناسب با ظرفیت های وجودی و قابلیت های زیستی، سرشتی و تربیتی خود مأموریت یافته اند. توجه اکید به تفاوت های شناخته شده این دو صنف، در مقام واگذاری مسئولیت ها، اعطای مشاغل و عهده داری انجام امور نیز ضرورت اجتناب پذیر دارد. از این رو، اصرار تکلف آمیز بر یکسانی و مشابهت آنها، در همه عرصه ها از جمله اشتغال مذموم و مورد مناقشه جدی است. شهید مطهری، در این باره می نویسد: «از نظر اسلام زن و مرد هر دو انسان اند و از حقوق انسانی متساوی بهره مندند. آنچه از نظر اسلام مطرح است، این است که زن و مرد به دلیل اینکه یکی زن است و دیگری مرد، در جهات زیادی مشابه یکدیگر نیستند... و همین جهت ایجاب می کند که از لحاظ بسیاری از حقوق و تکالیف و مجازات ها وضع مشابهی نداشته باشند» (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۱۳۷). از نظر امام خمینی ﷺ نیز شغل صحیح برای زن هیچ مانعی ندارد، اما نباید این شغل موجب انحطاط زن و مانع رشد طبیعی او شود (آیت الهی، ۱۳۸۶، ص ۵۷۷). بنابراین، یکی از شروط مهم در جواز تصدی مشاغل بیرونی برای زنان از دیدگاه اسلام، رعایت تفاوت ها و تمایزات طبیعی آنها از جنس مقابل است.

## ج. عدم تعارض با نقش‌های خانوادگی

مهم‌ترین مانع اشتغال زن، تعارض آن با نقش‌های خانوادگی اوست. فقه اسلامی، در عین مجاز شمردن اشتغال مشروط و مقید زن بر اولویت و تقدم نقش‌های همسری و مادری سخت تأکید دارد (بستان، ۱۳۸۸، ص ۱۵۴-۱۵۷). از این رو، هر نوع اشتغال بیرونی، به‌رغم اهمیت، نباید این سنخ وظایف غیرقابل واگذاری را تحت‌الشعاع قرار دهد. مقام معظم رهبری، می‌فرماید:

اسلام با کارکردن زن موافق است [البته] تا آنجایی که با شغل اساسی او که مهم‌ترین شغل اوست؛ یعنی تربیت فرزند و حفظ خانواده مزاحم نباشد، شاید لازم هم می‌داند. یک کشور نمی‌تواند از نیروی کار زنان در عرصه‌های مختلف بی‌نیاز باشد. اما این کار باید با کرامت و با ارزش معنوی و انسانی زن منافات نداشته باشد (بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۲۵/آذر/۱۳۷۱).

برخی از جامعه‌شناسان، رعایت اولویت‌های جنسیتی در واگذاری مشاغل و تقسیم کار بین زن و مرد را ضروری تلقی کرده‌اند. تالکوت پارسونز، جامعه‌شناس آمریکایی، بر این باور است که زنان به اقتضای نقش بیولوژیک‌شان در تولیدمثل، غریزه‌ای برای پرورش دیگران دارند و این غریزه، آنها را برای ایفای نقشی پر احساس در خانواده هسته‌ای شایسته می‌سازد. [چه اینکه] بیولوژی مردان آنها را برای ایفای نقش «ابزاری» در خانواده مناسب می‌کند؛ نقشی که مستلزم تأمین نیازهای اقتصادی خانواده و پیوند دادن آن با جهان خارج است (گرت، ۱۳۸۰، ص ۱۶). نتیجه اینکه، اشتغال زن از دید اسلام، امری مباح و در مواردی راجح است، مشروط بر اینکه با الزامات خانوادگی؛ یعنی نقش‌ها و وظایف همسری و مادری او تعارض نداشته باشد.

## د. رعایت حجاب و عفاف

یکی دیگر از قیود و شروطی که در اشتغال بیرونی زن اهمیت دارد، رعایت حجاب و عفاف است که آموزه‌های اسلام بر آن تأکید مبرم دارد. زنان مؤمن، به دلیل موقعیت خاص به‌هنگام حضور در جامعه و اشتغال در عرصه‌های مختلف باید حیا و عفاف را در پوشش، نگاه، گفتار و رفتار خود رعایت کرده و از هر اقدامی که موجب جلب توجه دیگران و وسوسه بیماردلان برای برقراری روابط عاطفی و شهوی شود، اکیداً پرهیز کنند. از این رو، اشتغال بیرون زن حتی در موقعیت‌های بسیار حیاتی و ضروری برای جامعه، مجوزی برای نقض این هنجار و ارتکاب رفتارهای ناهمسو با ارزش‌ها و شئون اسلامی نمی‌شود. دلایل این موضع و چرایی حساسیت اسلام نسبت به موضوع حجاب و عفاف زنان، در منابع علمی مربوط به تفصیل بیان شد.

از آنجا که حدود الزامی و ترجیحی حجاب (=پوشش ظاهری)، برای عموم زنان جامعه ما روشن است و غالب سؤالات و ابهامات به حدود حیا و عفاف مربوط است، برای اطلاع بیشتر خوانندگان، به مهم‌ترین مؤلفه‌های عفاف زن، در ارتباط با نامحرمان که در فقه و اخلاق اسلامی بر آن تأکید شده، در جدول ۱ تذکر یافته است (مه‌دی‌ان، ۱۳۹۲، ص ۱۴۰).

## اشتغال زن و بازنمایی آن در سینمای پس از انقلاب؛ بررسی موردی فیلم همسر ۱۷

جدول ۱. مهم‌ترین مؤلفه‌های عفاف زن در ارتباط با نامحرمان که در فقه و اخلاق اسلامی بر آن تأکید شده

لحن کلام		مؤلفه‌های عفاف در روابط کلامی
میزان کلام		
سخن شایسته (قول معروف)	محتوای کلام	
شوخی		
ناسزا		
محتوای شهوت‌انگیز و کلمات دو پهلوئی جنسی		
حدود پوشش	پوشش	
پوشش شهرت		
پوشش مطمئن		
پوشش نازک		
پوشش تنگ		
رنگ پوشش		
لمس	حریم و فاصله	مؤلفه‌های عفاف در روابط غیر کلامی
اختلاط		
خلوت		
رفاقت		
استیذان		
زینت و آرایش	تبرج	
عطر		
زیان بدن (عشوه‌گری)		
نگاه		

### ۳-۳. تبیین نهایی نظریه

نتیجه حاصل از بررسی ادله این شد که از دید اسلام، اشتغال بیرونی زن به‌خودی‌خود هیچ‌گونه ممنوعیتی ندارد، و فی‌نفسه امری مباح شمرده می‌شود. گاه به دلایل ثانوی و ملاحظات اجتماعی، اولویت و ترجیح نیز می‌یابد. اما از آنجاکه در نظام خانواده اسلامی و الگوی تقسیم وظایف و حقوق متقابل زوجین، بنا به دلایلی که در جای خود به تفصیل مورد بحث قرار گرفته، زنان از ضرورت تلاش برای کسب درآمد با هدف تأمین نیازهای معیشتی و رفاهی خود و سایر اعضای خانواده معاف شده‌اند. این نقش، اصالتاً به مرد خانه محول شده است. در بخش تکالیف خانگی زن، بر اولویت و رجحان بلامنازع وظایف همسری و مادری تأکید شده است. از این‌رو، در صورتی که زن بنا به انگیزه‌های شخصی و در صورت عدم تعارض با وظایف همسری و مادری و موافقت همسر، یا ضرورت‌های خانوادگی همچون ناتوانی جسمی شوهر، یا عدم کفاف درآمد حاصل از دسترنج وی برای تأمین نیازهای ضروری یا رفاهی و یا احیاناً ضرورت‌ها و مطالبات اجتماعی، اشتغال بیرونی را در کنار وظایف خانوادگی خویش عهده‌دار شود، باید به حدود و ضوابط فقهی، اخلاقی و عرفی فوق در حد قابل قبول، التزام و پایبندی نشان دهد. روشن است که اشتغال بیرونی زنان مؤمنه، تنها با رعایت قواعد فوق مجاز خواهد بود. گفتنی است که گاه برخی ضرورت‌های اجتماعی همچون لزوم ارائه خدمات فرهنگی، اجتماعی، طبی، فراغتی و... به قشر زنان، حضور اجتماعی ایشان را در عرصه‌های مختلف شغلی اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. از این‌رو، نظریه مختار نویسندگان در بحث اشتغال زنان، نظریه موافقت مشروط با دلایل خاص است.

## نشانه‌شناسی جان‌فیسک به‌مثابه روش

بخش دوم مقاله، به چگونگی بازتاب موضوع اشتغال اجتماعی زنان در رسانه سینما با محوریت یکی از فیلم‌های منتخب اختصاص یافته است. پیش از واکاوی درون‌مایه فیلم، مدل تحلیل آن یعنی چارچوب نشانه‌شناختی جان‌فیسک که برای این هدف مناسب تشخیص داده شده، توضیح می‌یابد.

تحلیل زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی، اگر چه پیشینه‌ای کهن در نظام ارتباطی بشر دارد، اما نشانه‌شناسی نوین، عمدتاً ریشه در آثار زبان‌شناس سوئیسی فردینان دوسوسور و فیلسوف آمریکایی، چارلز ساندرز پیرس دارد (آسابرگر، ۱۳۷۹، ص ۱۶). از منظر ایشان، تنها راه دستیابی به معرفت، شناخت عناصر زبانی حاوی و ناقل معناست. زبان نیز چیزی جز منظومه‌ای سامانمند از رمزگان و نشانه‌ها نیست. نشانه‌شناسی نیز در اشکال مختلف، با تولید و انتقال معنا و بازنمایی ارتباط دارند. روشن‌ترین این اشکال، «متون» و «رسانه‌ها» می‌باشند (چندلر، ۱۳۸۷، ص ۲۴-۲۵). متون نوشتاری، صوتی، تصویری و ترکیبی متضمن نشانه‌های متراکمی هستند که دستیابی به معانی آنها مستلزم رمزگشایی روشمند آنهاست.

تلقی عام در نشانه‌شناسی این است که نشانه‌ها، واحدهای معناداری هستند که به شکل تصاویر، اصوات، اعمال و حرکات یا اشیا درآمده‌اند. این اشکال، هیچ نوع معنی ذاتی یا طبیعی را حمل نمی‌کنند. آنها فقط وقتی تبدیل به علامت یا نشانه می‌شوند که ما به آنها معنی می‌دهیم (نرسیسیانس، ۱۳۸۷، ص ۲۷).

در این نوشتار، سعی شده از روش تحلیل رمزگان فیسک در تأمین هدف؛ یعنی تحلیل نشانه‌شناختی فیلم منتخب استفاده شود. از دید فیسک، هدف از تحلیل نشانه‌شناختی، روشن ساختن لایه‌های معنایی رمزگذاری شده‌ای است که در ساختار برنامه‌ها قرار گرفته‌اند (فیسک، ۱۳۸۰، ص ۱۳۰). برای فهم نشانه‌ها بر اساس الگوی فیسک، آشنایی ابتدایی با مفهوم رمز و رمزگان‌های سه‌گانه او که در محصولات سینمایی قابل ردیابی است، ضروری دارد.

رمزها نظام‌هایی هستند که نشانه‌ها در آن سازمان یافته‌اند. قواعد حاکم بر این نظام‌ها مورد توافق همه اعضای کاربرنده آن رمز قرار دارند. مطالعه رمزها همواره بر بُعد اجتماعی ارتباطی آنها تأکید دارد (فیسک، ۱۳۸۶، ص ۹۷). از نظر فیسک، رمز نظامی از نشانه‌های قانونمند است که همه‌آحاد یک فرهنگ به قوانین و عرف‌های آن پایبندند. این نظام، مفاهیمی را در فرهنگ به وجود می‌آورد و اشاعه می‌دهد که موجب حفظ آن فرهنگ می‌شود. از سوی دیگر، رمز، حلقه واسط بین پدیدآورنده متن و مخاطب است و موجب پیوند درونی متن می‌شود. از طریق همین پیوند درونی است که متون مختلف در قالب شبکه‌ای از معانی به وجودآورنده دنیای فرهنگی ما، با یکدیگر پیوند می‌یابند (فیسک، ۱۳۸۰، ص ۱۲۷).

فیسک، رمزها را در سه سطح دسته‌بندی می‌کند: واقعیت، بازنمایی، ایدئولوژی. واقع‌های که قرار است به فیلم سینمایی تبدیل شود، پیشاپیش با رمزگان اجتماعی؛ یعنی سطح واقعیت رمزگذاری شده است. سپس، رمزهای فنی، این رمزهای اجتماعی را رمزگذاری می‌کنند. رمزگان ایدئولوژیک نیز رمزهای فوق را در قالب مقوله‌های دارای انسجام و دارای

## اشتغال زن و بازنمایی آن در سینمای پس از انقلاب؛ بررسی موردی فیلم همسر ۱۹

مقبولیت اجتماعی قرار می‌دهند. طبقه‌بندی این رمزها، بر اساس مقوله‌های سه‌گانه امری دلبخواهی و انعطاف‌پذیر است (همان، ص ۱۲۷-۱۲۸). در جدول ۲، سطوح رمزگان سه‌گانه مورد نظر فیسک با ذکر زیرعنوان‌ها بیان شده است.

جدول ۲. سطوح مختلف رمزگان فیسک

واقعیت (رمزگان اجتماعی)	سطح ۱	واقعه‌ای که قرار است از سینما یا تلویزیون پخش شود، پیشاپیش با رمزهای اجتماعی رمزگذاری شده است مثل: ظاهر، لباس، چهره‌پردازی، محیط، رفتار، گفتار، حرکات سر و دست، صدا و غیره
بازنمایی (رمزگان فنی)	سطح ۲	رمزگان فنی، رمزهای اجتماعی را به کمک دستگاه‌های الکترونیک رمزگذاری می‌کنند. برخی از رمزگذاران فنی عبارتند از: دوربین، نورپردازی، تدوین، موسیقی و صدابرداری که رمزهای متعارف بازنمایی را انتقال می‌دهند و رمزهای اخیر نیز بازنمایی عناصری دیگر را شکل می‌دهند، از قبیل: روایت، کشمکش، شخصیت، گفت‌وگو، زمان و مکان، انتخاب نقش‌آفرینان و غیره
ایدئولوژی (رمزگان ایدئولوژیک)	سطح ۳	رمزگان ایدئولوژی، عناصر فوق را در قالب مقوله‌های دارای «انسجام» و دارای «مقبولیت اجتماعی» قرار می‌دهند. برخی از رمزگان ایدئولوژیک عبارتند از: فردگرایی، پدرسالاری، نژاد، طبقه اجتماعی، مادی‌گرایی، سرمایه‌داری و غیره

در روش تحلیل جان‌فیسک، از عناصر مختلفی برای تحلیل رمزگان فیلم استفاده می‌شود. این عناصر در فیلم‌های مختلف، متغیرند. جدول ۳ به بخشی از آنها اشاره دارد.

جدول ۳. عناصر تحلیل رمزگان فیسک

رمزگان فیسک	رمزگان اجتماعی
	مکان
	زمان
	وسایل صحنه
	نام بازیگران
	شیوه رفتار بازیگران
رمزگان ایدئولوژیک	مفهوم اصلی
	دسته‌بندی مفاهیم

## تحلیل نشانه‌شناختی بازنمایی اشتغال زن در فیلم همسر

جدول ۴. شناسنامه فیلم

نویسنده	کارگردان	بازیگران اصلی	تهیه کننده	سال تولید
مهدی فخیم‌زاده	مهدی فخیم‌زاده	فاطمه معتمد آریا، مهدی هاشمی	سازمان سینمایی سینا	۱۳۷۲

## خلاصه داستان فیلم

داستان فیلم، روایت زندگی یک زن شاغل است. داستان با پرخاش و اعتراض شدید شیرین - قهرمان داستان - در مقابل رئیس شرکتی که در آن اشتغال دارد، شروع می‌شود. رئیس شرکت به علت دزدی، از کار برکنار می‌شود و برخلاف انتظار همه کارکنان، هیئت امنای شرکت، شیرین را برای مدیریت آن لایق و سزاوار می‌بیند. این مسئله، سرآغاز جدال احمد با شیرین می‌شود.

داستان فیلم، با طرح ماجرای دزدی دوستان احمد، از سوی شیرین ادامه می‌یابد. اما از آنجاکه شیرین نمی‌تواند ادعای خود مبنی بر دزدی ایشان را اثبات کند، از سمتش عزل می‌گردد. احمد موقتاً به جای شیرین به ریاست

شرکت منصوب می‌شود. اما این سمت نیز دیری نمی‌پاید؛ زیرا شیرین مدارک و مستندات جدیدی مبنی بر ادعای خود و اتهام دزدی به دوستان احمد ارائه می‌دهد. همین امر، موجب می‌شود تا شیرین مجدداً به منصب مدیریت شرکت بازگردد. با این تفاوت که احمد در این مرحله از ریاست وی، رضایت کامل دارد و به نحوی آشکار به توانمندی‌های شغلی شیرین، اذعان دارد.

### رمزگان اجتماعی

واقعه یا پدیده‌ای که قرار است از رسانه‌ای چون سینما یا تلویزیون پخش شود، برای اینکه رنگ واقعیت به خود بگیرد، باید پیشاپیش با علائم و نشانه‌های اجتماعی نظیر وضع ظاهر، لباس، چهره‌پردازی، محیط، رفتار، گفتار، صدا و غیره رمزگذاری شود؛ یعنی اوصاف و احوال ظاهری بازیگران و سایر عناصر معنایی در فیلم، از ساختاری واقع‌نما برخوردار شوند تا مخاطب با آنها به‌مثابهٔ امور واقعی مواجه شده و معانی آنها را دریابد.

در این فیلم رمزگان اجتماعی، در ظاهر مناسب انتخاب و تدارک شده است. تلاش کارگردان این بوده که شیرین را زنی فهیم و روشنفکر نمایش دهد. استفاده شیرین از پوشش مانتو نیز که معمولاً در فیلم‌ها نماد روشنفکری و تجددخواهی زن تلقی می‌شود، شاهد دیگری بر این همنوایی ساختاری است. نمایش مکرر دستگاه رایانه در منزل شیرین، آن هم در زمانی که تنها شمار اندکی از اهل فضل از رایانه شخصی برخوردارند، نمونهٔ گویایی از تلاش کارگردان برای استفادهٔ بهینه از رمزگان اجتماعی برای معرفی سوژه به‌مثابهٔ یک شخصیت مدرن و روزآمد است. در مقابل، احمد شخصیتی است که در برزخ میان سنت و مدرنیته روزگار می‌گذراند و مردی نسبتاً سنتی می‌نماید. احمد هر چند با اشتغال بیرونی همسرش موافق است و از این حیث با مردان سنتی فاصله قابل توجهی را نشان می‌دهد، اما در مقابل با ریاست و مدیریت همسرش بر خود موافقت نمی‌کند. بدین‌وسیله، تعلق خود به رسوبات فرهنگ و باورداشت‌های سنتی‌اش را ابراز می‌کند. خانهٔ سنتی والدین احمد، کوک کردن ساعت قدیمی توسط پدر احمد، وجود جام‌هایی سنتی در طاقچه و... همه و همه رمزگان اجتماعی برای نمایش سنتی بودن جهان اطراف احمد و تأثیر آن بر روح و شخصیت فرهنگی وی است.

### رمزگان فنی

#### الف. مکان

داستان اصلی فیلم، تقابل زن و مرد با موضوع اشتغال است. موضوع اشتغال، چالش محوری کنشگران اصلی فیلم است. انتخاب یک شرکت بزرگ تولید دارو، به‌عنوان مکان بروز این چالش، تا حد زیادی اهمیت موضوع اشتغال و اصرار زن برای حضور در این مکان را نشان می‌دهد. نمایش مکرر نمایی از ساختمان بزرگ این شرکت با زاویه رو به بالا، اهمیت این مکان را در مقایسه با محیط محقر خانه‌ای که ترجیحاً زن باید تمام وقت خود را در آن سپری کند، نشان می‌دهد.

کارگردان با تلفیق دو مکان عمومی (کارخانه) و خصوصی زن (خانه)، سعی دارد تقابل زن و مرد در مقوله اشتغال را برجسته ساخته و مشکلاتی که زن به واسطه اشتغال به رغم تعهدات خانگی با آن مواجه است، همراه با بزرگ‌نمایی به تصویر کشد.

### ب. زمان

فیلم محصول سال ۷۲، یعنی دوران سازندگی است، دورانی که آثار ناشی از توسعه و تحولات اقتصادی در سایر خرده‌نظام‌های اجتماعی انعکاس یافته و مهم‌تر اینکه تغییراتی را تدریجاً در ساختار فرهنگی و نظام ارزشی جامعه پس از انقلاب را موجب شده است. به موازات اجرای برنامه‌های توسعه و بازسازی ویرانی‌های ناشی از جنگ، رفته‌رفته وضعیت فرهنگی و ارزشی جدیدی در جامعه به‌وجود آمد؛ وضعیتی که تقریباً با بیشتر ارزش‌ها، الگوها، خلیات و معیارهای ناشی از انقلاب اسلامی و سال‌های طولانی جنگ تحمیلی، ناهماهنگی و بعضاً تعارض داشت. از این‌رو، شکاف ارزشی میان دو نظام فرهنگی و سیاسی جامعه، روزبه‌روز عمیق‌تر و گسترده‌تر شد (رفیع‌پور، ۱۳۷۸، ص ۴۷). فرامرز رفیع‌پور، پس از ارائه دادها و تحلیل‌های مختلف، نتیجه می‌گیرد که در دوره سازندگی، یک دور باطل ایجاد شد. ابتدا ثروت‌جویی، تبدیل به یک ارزش شد و در دوگانه ثروت‌جویی و زهد ناشی از فرهنگ دینی، کفه ترازو به سمت ثروت‌جویی سنگینی کرد. اکثر مردم نیز در این حال و هوا سعی داشتند تا خود را با ارزش‌های جدید سازگار کنند و با معیارهای سنجش جدید، وضعیت خویش را محک بزنند. در بحبوحه این وضعیت ارزش‌های رو به رشدی همچون فردگرایی، ثروت‌جویی، رفاه‌خواهی، تجمل‌گرایی، مصرف‌گرایی، مشارکت همگان برای سازندگی کشور و... در سپهر تبلیغی سازمان‌های مختلف فرهنگی از جمله رسانه‌ها و محصولات سینمایی قرار گرفت. به تدریج فیلم‌های متعددی با طرح صریح و ضمنی موضوع حضور اجتماعی زنان (با هدف تحصیل، اشتغال، سازندگی کشور یا بهره‌گیری جامعه از ظرفیت‌های وجودی و استعدادهای متنوع بانوان) روانه بازار فرهنگی و رسانه‌ای کشور شد. فیلم همسر، یکی از اولین و مهم‌ترین این محصولات است که با ظرافت به طرح موضوع اشتغال زن پرداخته و نظام فرهنگی تاریخی ایران را نظامی مردسالار معرفی می‌کند. توصیه ضمنی آن این است که زنان جامعه برای بهبود وضعیت اجتماعی حقوقی خویش، چاره‌ای جز رویارویی و مخالفت با نظام سلطه موجود ندارند.

### ج. نام بازیگران

قهرمان اصلی فیلم شیرین نام دارد. شیرین، نامی ایرانی و دارای پژواک مثبت است که مخاطب را به هم‌ذات‌پنداری با خود و سوژه مورد نظر، یعنی اصرار بر اشتغال بیرونی، ترغیب می‌کند. عدم انتخاب نامی مذهبی برای وی، تأیید دیگری بر موضع روشنفکری، کارگردان است.

انتخاب نام مذهبی احمد برای همسر وی، نیز احتمالاً مشعر به ذهنیت و روحیه سنتی وی است. نام خانوادگی احمد، «سلطانی» است. واژه سلطان نیز در ذهنیت ایرانی، ریاست، حکومت، قلدری، زورگویی، تکبر و برتری را تداعی می‌کند. احمد سلطانی کسی است که با استبداد و زورگویی در روند اشتغال همسرش، شیرین مانع تراشی می‌کند.

## د. رفتار بازیگران

چگونگی رفتار یا ایفای نقش بازیگران، معرف موقعیت آنان است. شیرین، زنی است شاغل که در شغل خود موفق است. در عین حال، زنی است خانه‌دار، عامل به وظایف خانوادگی متناسب با سطح انتظار. نشانه موفقیت وی، صلابت، شجاعت و استقامتی است که در مقابل رئیس خلافکار از خود نشان می‌دهد؛ رفتاری که غالب مردان شاغل در این مجموعه از جمله همسر وی از آن هراس دارند.

التزام او به خانه‌داری و وظایف کدبانویی نیز در رفتارهای او مشهود است. شیرین آشپزی می‌کند، خرید می‌کند، مهمان‌داری می‌کند، مادری می‌کند و با تحمل کج‌خلقی‌های شوهر، شوهرداری هم می‌کند. آرامش ظاهری شیرین، موفقیت وی در انجام توأمان وظایف بیرونی و خانگی او را بیشتر آشکار می‌سازد.

در مقابل احمد، مردی لجوج، مستبد و در عین حال، خانواده‌دوست تصویر شده است. لج‌بازی‌ها و بهانه‌گیری‌های او در رفتارهای مختلفش با شیرین در محیط خانه کاملاً مشهود است. برای مثال، او نقشه اسباب‌کشی ناگهانی را ترتیب می‌دهد تا شیرین را از امور و فعالیت‌های شرکت بازدارد. این سنخ رفتارهای کودکانه و غیرمنطقی موجب می‌شود تا مخاطب بیشتر از وی با شیرین همدلی و هم‌ذات‌پنداری کند.

## ه. وسایل صحنه

وسایل صحنه، یعنی اسباب و اثاثیه خانه و نحوه چیدمان آنها نشانه نظم و برخورداری خانواده از درجاتی از رفاه و تمکن است. بچه‌ها برای سرگرمی و پرکردن فراغت خود از بازی‌های رایانه‌ای استفاده می‌کنند؛ وسیله‌ای لوکس و گران‌قیمت که در آن دوره، تنها اندکی از مردم به آن دسترسی داشتند. پیام این برخورداری مرفهانه این است که اگر زن و شوهر، هر دو به فعالیت بیرونی درآمدزا مشغول باشند، می‌توانند علاوه بر تأمین اولیات، به رفاهیات خانواده نیز کمک کنند.

نظم و انضباط حاکم بر خانه، نشانه گویایی از موفقیت شیرین در خانه‌داری، در عین اشتغال است. جالب اینکه احمد، به‌رغم خرده‌گیری‌های بی‌مورد، هیچ‌گاه از بی‌نظمی، شلختگی یا اهمال در انجام وظایف خانگی، از وی شکایت نمی‌کند.

## رمزگان ایدئولوژیک

## الف. مفهوم اصلی: تعارض نظام مردسالار با اشتغال زن

مفهوم کانونی فیلم، برگرفته از یا منطبق با ایدئولوژی فمینیسم رادیکال است. فمینیست‌های رادیکال، بر این باورند که نظام مقتدر و جهان‌شمول مردسالار، عامل اصلی وضعیت نامطلوب زن از جمله محرومیت جدی او از نقش‌آفرینی اجتماعی است. برتری و سلطه قاهرانه مرد بر زن از خانواده آغاز شده و به ساحت‌های مختلف اجتماع بسط می‌یابد. مردان به دلیل منافی که از طریق این سلطه عاید می‌شوند، و نیز به دلیل قدرت بدنی و توان کاری بیشتر، و وابسته‌سازی اقتصادی وی به خود، همواره بر تثبیت و تداوم نظام مردسالار اصرار می‌ورزند (روردگر، ۱۳۸۸، ص ۸۴-۸۵).



در این فیلم، بسط سلطه قاهرانه مرد از محیط خانواده به اجتماع و حوزه اشتغال زن، به خوبی ترسیم شده است. شیرین، در خانه طبق معمول تحت سیطره شوهر است. در محیط کار نیز همسر وی به اقتضای منطق مردسالار، به جای همکاری، همه تلاش خود را به کار می‌بندد تا از موفقیت و پیشرفت شغلی او جلوگیری کند. از آنجایی که تکیه بر منطق مردسالار و تلاش در جهت بسط سلطه مردانه به محیط کار، مجوزی برای مقابله او با زن نمی‌شود، از ظرفیت‌های خانگی این سلطه برای اعمال فشار ظالمانه و مضاعف استفاده می‌کند. بقای این سلطه در خانه و بسط آن به اجتماع، کارکرد زن را در خانه و اجتماع مختل می‌سازد. جالب اینکه، شیرین در فرایند مبارزه برای کاهش و تضعیف این سلطه، با مشکلات مختلفی دست‌وپنجه نرم کرده و در نهایت، با موفقیت به ریاست شرکت می‌رسد. این پیامی است که همه زنان باید آن را آویزه گوش خود سازند!!!

### ب. مفاهیم فرعی

#### - مردسالاری در حیطه اجتماع

زنان حتی در اشتغالات بیرونی، از سلطه بسط یافته مردان در امان نیستند. محیط‌های کاری، غالباً در انحصار و تحت سلطه مردان است و مردان همچنان فرصت کافی برای اعمال اراده و ستم و تبعیض علیه زنان را دارند. شیرین در اعتراض به اخراج همکارش به رئیس می‌گوید: «رفتار اخیرتان با خانمها واقعاً نوبره. اینو ور می‌دارید، اونو می‌دارید جاش. اون یکو می‌فرستین کارگزینی. به من بگین بینم خانمها چه هیزم‌تری به شما فروختن؟» این دیالوگ نشان می‌دهد که منطق حاکم بر رفتار مردان در یک محیط سازمانی نیز برای زنان همکار که خود بخشی از بدنه سازمان هستند، قابل فهم و توجیه نیست.

نشانه دیگر از بسط سلطه مرد از خانه به محیط کار و سوءاستفاده از آن علیه زن، این است که وقتی شیرین به رئیس شرکت اعتراض کرده و با او درگیری لفظی پیدا می‌کند، احمد، همسر شیرین با تندخویی، او را از اتاق رئیس بیرون می‌برد. وقتی حکم ریاست شیرین بر شرکت دارویی ابلاغ می‌شود، حتی خود شیرین ناراحت و مضطرب می‌شود؛ چون تا پیش از این، همه مطمئن بودند که احمد رئیس جدید خواهد بود. با وجود تلاش فراوان، شیرین برای خلع رئیس خلافتکار، هیچ‌کس تصور ریاست او را نمی‌کرد. روشن است که با توجه به سیطره نظام مردسالار بر دنیای ذهنی و واقعی عموم، این ابلاغیه توجیه‌پذیر نخواهد بود. حتی میهمانانی نیز که برای عرض تبریک ریاست جدید آمده بودند، با شنیدن خبر مدیریت شیرین (به جای احمد)، متعجب می‌شوند و این تعجب در رفتار آنها مشهود است.

#### - مردسالاری در حیطه خانوادگی

احمد، با اشتغال همسر و ریاست وی مخالفت می‌کند و از شیرین می‌خواهد تا با داشتن سابقه نه ساله استعفا کرده و به کارهای خانه مشغول شود. شیرین در مخالفت به احمد یادآور می‌شود که من به هنگام ازدواج، شاغل بودم و شما با آن مخالفتی نداشتید. اما احمد با لجاجت خاص تنها به این دلیل که موقعیت کاری خودش در خطر است، شیرین را وادار به ترک شغل می‌کند.

هنگامی که شیرین در محیط کار، موقعیتی فرادست احمد می‌یابد، احمد با نقشه سعی در مبارزه با او دارد. برای نمونه، بدون هماهنگی با شیرین، تاریخ اسباب‌کشی خانه را جابجا می‌کند و وقتی با مخالفت شیرین مواجه می‌شود، می‌گوید: «این دیگه به خودت مربوطه. مسائل و مشکلات شرکت را با کار خونه قاطی نکن. امروز داریم اسباب‌کشی می‌کنیم، شما هم خانوم خونه هستی. می‌خوای همکاری بکنی یا نه، خوددانی». احمد در دیالوگ دیگر، نیت خود را روشن‌تر بیان می‌کند. زمانی که دوستان احمد برای کمک به اسباب‌کشی وی به خانه می‌آیند و شیرین نیز با استفاده از این فرصت سرکار حاضر می‌شود، احمد به آنها می‌گوید: «آخه به شما چه مربوطه؟ همه برنامه‌های منو بهم ریختن. من کلی کار کردم نذارم بره اداره. اونوقت شما فرستادینش رفت... نمی‌ذارم بیاد. امروزم تقصیر شما شد. دیگه نمی‌ذارم. تازه از فردا من مریض می‌شم. معلوم نیست کی خوب بشم. ممکنه ده پونزده روز طول بکشه. آرزوی ریاست رو به دلش می‌ذارم. اونقدر ادامه می‌دم تا از ریاست ورش دارن».

### – عدم تعارض اشتغال زن با نقش‌های خانوادگی

در فیلم چنین وانمود می‌شود که شیرین، هم در محیط کار و هم در خانواده کاملاً موفق است. در این ایام، حتی یک مرتبه هم احساس خستگی، افسردگی و استرس نکرده است. در صورتی که این تصویرسازی با آنچه در واقعیت جریان دارد، فاصله دارد. زنی شاغل آن هم در سمت مدیریت یک شرکت بزرگ دارویی، با انبوهی از ارتباطات و درگیری‌های شغلی درونی و بیرونی، در کنار انبوه وظایف خانوادگی به‌عنوان همسر، مادری دو فرزند و نیز مسئولیت تهیه مایحتاج خانه و رتق و فتق امور جاری و... چگونه می‌تواند خسته و افسرده نباشد و احساس فشار کاری نکند. به هر حال، با عطف توجه به تجربه‌های عینی، این نوع تصویرسازی قدری تخیلی و دارای سوگیری ایدئولوژیک به نظر می‌رسد.

### – زنان توانمندتر از مردان

شیرین، در موضع ریاست کارها و اقداماتی صورت می‌دهد که غالب مردان از آن هراس دارند. برای نمونه، اعتراض قاطع وی به مدیر قبلی شرکت، عهده‌داری ریاست شرکت و اداره مطلوب آن به‌رغم کارشکنی‌های برخی مردان شاغل در آن، همه نشان از توانمندی و لیاقت مثال‌زدنی وی دارد. در مقابل، رئیس قبلی مردی است خیانتکار و برخی دیگر از کارکنان مرد آنجا (دوستان احمد) اهل دزدی و خیانت‌اند. خود احمد نیز فردی ترسو و خرابکارست. یکی از مؤلفه‌های فمینیسم رادیکال، این است که زنان باید به توانمندی‌های بالفعل و بالقوه خود پی ببرند و از منظر القایی مردان، به خود نگاه نکنند. شیرین نیز تنها با تکیه بر قابلیت‌های ذاتی خود به ریاست شرکت رسیده است.

### نتیجه‌گیری

اشتغال زن، یکی از موضوعات مهم و چالشی حوزه مطالعات زنان است. در این خصوص، دیدگاه‌های نظری متعددی وجود دارد. غالب دیدگاه‌های فمینیستی با استناد به دلایلی به موافقت مطلق؛ غالب سنتی‌ها با استناد به دلایل دیگر، به مخالفت مطلق و دیدگاه سوم که موضوع منتخب نوشتار و مورد تأیید فقه اسلامی است، به موافقت مشروط نظر

## اشتغال زن و بازنمایی آن در سینمای پس از انقلاب؛ بررسی موردی فیلم همسر ◇ ۲۵

داده‌اند. از دید اسلام، عدم تعارض با نقش مادری و همسری، عدم اختلاط و ارتباط غیرعقیدانه با نامحرم و رعایت ویژگی‌های جسمی و روحی زن در انتخاب شغل، از جمله شرایطی است که باید در اشتغال زنان ملحوظ شود. موضوع اشتغال نیز همچون سایر موضوعات مربوط به زنان، در رسانه‌های جمعی از جمله سینما انعکاس‌های مختلف داشته است. برخی محصولات سینمایی ایران در سال‌های اخیر با تأثیرپذیری از اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های فمینیستی بر مواضعی غیرمتعارف همچون برابری جنسیتی، استقلال اقتصادی زنان، اشتغال بیرونی، کاهش اعتبار نقش‌های همسری و مادری، خرده‌گیری بر تمایزات حقوقی زن و مرد و... سوالات و شبهاتی را در فضای عمومی کشور و محافل روشنفکری برانگیخته‌اند. این نوشتار، در راستای اثبات مدعای خود؛ یعنی تأثیرپذیری برخی محصولات سینمایی از ایدئولوژی فمینیستی، فیلم همسر محصول سال ۷۲ که از فیلم‌های جریان‌ساز و پیش‌تاز در موضوع اشتغال زن و برابری جنسیتی شمرده می‌شود که بر مبنای الگوی رمزگان سه‌گانه جان فیسک، مورد بررسی و تحلیل قرار داده و نقدهایی را به‌طور ضمنی بدان متوجه ساخته است.

## منابع

- آبوت، پاملا و کلا والاس، ۱۳۸۰، *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم‌عراقی، تهران، نشر نی.
- آسابرگر، آرتور، ۱۳۷۹، *روش‌های تحلیل رسانه‌ها*، ترجمه پرویز اجلالی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- آیت‌اللهی، زهرا، ۱۳۸۶، *شرح منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران*، تهران، امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری.
- بستان، حسین، ۱۳۸۸، *اسلام و تفاوت‌های جنسیتی در نهادهای اجتماعی*، تهران، دفتر امور بانوان وزارت کشور.
- بطحایی گلپایگانی، سیدهاشم، ۱۳۸۳، *فمینیسم از نظر اسلام و دیگر ملل*، قم، نوید اسلام.
- بیات، عبدالرسول، ۱۳۸۱، *فرهنگ واژه‌ها*، قم، مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
- تانگ، رزمی، ۱۳۸۷، *نقد و نظر: درآمدی بر نظریه‌های فمینیستی*، ترجمه منیژه نجم‌عراقی، تهران، نشر نی.
- چراغی کوتیانی، اسماعیل، ۱۳۸۹، *خانواده، اسلام و فمینیسم*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
- چندلر، دانیل، ۱۳۸۷، *مبانی نشانه‌شناسی*، ترجمه مهدی پارسا، تهران، سوره مهر.
- حبیب‌پور گتایی، کرم و همکاران، ۱۳۹۲، «بازنمایی اشتغال زنان و نقش آن در ساختار خانواده (با مطالعه موردی سریال‌های دلنوازان و همسایه‌ها)»، *مطالعات سبک زندگی*، سال دوم، ش ۳، ص ۶۹-۱۰۴.
- حسن‌پور، آرش و بهجت یزدخواستی، ۱۳۹۴، «پروبلماتیک زن بودگی: نمایش جنسیت و برساخت کلیشه‌های اخلاقی زنانه در سینمای ایران»، *مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، ش ۶۴، ص ۳۳-۶۸.
- حکمت‌نیا، محمود و همکاران، ۱۳۸۸، *فلسفه حقوق خانواده*، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.
- حکمت‌نیا، محمود، ۱۳۹۰، *حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی زن*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- راوودراد، اعظم، ۱۳۸۲، «سینما رسانه فراموش‌شده»، *رسانه*، ش ۵۴، ص ۶۴-۷۳.
- رفیع‌پور، فرامرز، ۱۳۸۷، *توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- رودگر، نرجس، ۱۳۸۸، *فمینیسم، تاریخچه، نظریات، گرایش‌ها، نقد*، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- ریترز، جورج، ۱۳۸۷، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی و فرهنگی.
- زیبایی‌نژاد، محمدرضا، ۱۳۸۸، *اشتغال زنان: عوامل، پیامدها و رویکردها*، برگرفته از لیلاسادات زعفرانچی، اشتغال زنان (مجموعه مقالات و گفتوگوها)، تهران، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.
- سلطانی‌گرددفرامرز، مهدی، ۱۳۸۵، «نمایش جنسیت در سینمای ایران»، *پژوهش زنان*، ش ۱۴، ص ۷۹-۹۸.
- صادقی‌فسایی، سهیلا و شیوا کریمی، ۱۳۸۴، «کلیشه‌های جنسیتی سریال‌های تلویزیونی ایرانی (سال ۱۳۸۳)»، *پژوهش زنان*، ش ۱۳، ص ۵۹-۹۰.
- طاهری‌نیا، احمد، ۱۳۸۹، *حضور زن در عرصه‌های اجتماعی - اقتصادی از نگاه آیات و روایات*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
- علاسوند، فریبا، ۱۳۹۲، *زن در اسلام*، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- فیسک، جان، ۱۳۸۰، «فرهنگ تلویزیون»، ترجمه مژگان برومند، *ارغنون*، ش ۱۹، ص ۱۲۵-۱۴۹.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۶، *درآمدی بر مطالعات ارتباطی*، ترجمه مهدی غبرایی، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- کریمی، حمیده، ۱۳۸۳، *حقوق زن*، تهران، کانون اندیشه جوان.
- کلینی، محمدبن‌یعقوب، ۱۴۲۹ق، *کافی*، قم، دارالحدیث.
- گرت، استفانی، ۱۳۸۰، *جامعه‌شناسی جنسیت*، ترجمه کتابیون بقایی، تهران، دیگر.
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۶، *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر نی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۹، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
- منصورنژاد، محمد، ۱۳۸۱، *مسئله زن، اسلام و فمینیسم*، تهران، برگ زیتون.
- مهیدیان، حقیظه، ۱۳۹۲، «بازنمایی روابط عقیفانه مرد و زن در سینمای ایران (مطالعه موردی فیلم درباره‌الی)»، *معرفت فرهنگی اجتماعی*، ش ۱۷، ص ۱۲۹-۱۵۵.
- مهدی‌زاده، محمد، ۱۳۹۱، *نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی*، تهران، همشهری.
- مهریزی، مهدی، ۱۳۸۱، *زن در اندیشه اسلامی*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ناجی‌راد، محمدعلی، ۱۳۸۲، *موانع مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی اقتصادی در ایران پس از انقلاب*، تهران، کویر.
- نرسیسیانس، امیلیا، ۱۳۸۷، *انسان، نشانه، فرهنگ*، تهران، افکار.